

به سرپنجه تدبیر

دیشب سخنان پرزیدنت اوباما و مصاحبه خانم فدریکا موگرینی، رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا درباره پرونده اتمی ایران را گوش کردم و مانند کثیری از هموطنان عزیز حقیقتاً خوشحال شدم: برجام به فرجام رسید؛ ایران به تعهدات خود عمل کرد و تحریم‌های ایران لغو شد؛ مسیر پیوستن ایران به جامعه جهانی هموار گشت؛ وعده‌های رئیس دولت تدبیر و امید، دکتر حسن روحانی در این باب محقق شد و تلاش‌های درازآهنگ و خستگی‌ناپذیر دکتر جواد ظریف به سرانجام رسید. جا دارد به وزیر خارجه محبوب و تیم‌شان خسته نباشید بگوییم و توفیقات روزافزون برای ایشان آرزو کنیم. امیدوارم به سرپنجه تدبیر و درایت دولت‌مردان، موانع پیش پای خروج ایران از انزوای بین‌المللی برداشته شود و ایرانیان در سراسر جهان، منزلت پیشین خویش در دوران ریاست جمهوری سید محمد خاتمی را بازیابند و به ایرانی بودن خود بیالند.

در عین حال، سؤال مهمی که در این میان در ذهن کثیری چون من خلجان می‌کند از این قرار است: هر چند جلوی ضرر هر وقت گرفته شود سودمند است، اما اگر مسیری که پرونده هسته‌ای در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی طی می‌کرد، ادامه می‌یافت؛ روزگاری که حسن روحانی دبیر شورای امنیت ملی بود و از شاخ و شانه کشیدن‌ها و سخنان غریب و نامتعارف و خارج از عرف دیپلماتیک احمدی‌نژادی هیچ خبری نبود؛ ده سال پیش به همان جایی نمی‌رسیدیم که کم و بیش اکنون رسیده‌ایم؟؟؟ بدون صرف هزینه‌های هنگفت و سرسام‌آور انسانی و ریالی و دلاری، بدون در پیچیدن بی‌حاصل با جامعه جهانی؟؟!!

از سرانجام نیکوی پرونده اتمی که بگذریم، خبر رد صلاحیت گسترده اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس پیش‌رو عمیقاً تاسف‌برانگیز بود. در کثیری از حوزه‌ها حتی یک کاندیدای اصلاح‌طلب تأیید نشده و عملاً رقابتی در نخواهد گرفت. امیدوارم رئیس جمهور محترم، چنانکه اخیراً گفته است، از تمام اختیارات خود برای رفع این معضل بهره‌گیرد و با زعمای قوم گفتگو کند و شور و رقابت را به فضای انتخابات برگرداند. اگر چنین شود و کثیری از رد صلاحیت‌شدگان به عرصه انتخابات بازگردند، به احتمال قوی مشارکت مردم در انتخابات جدی و قابل توجه خواهد بود و اصلاح‌طلبان و هواداران دولت اعتدال در مجلس دست بالا را خواهند داشت و پارلمانی از لونی دیگر خواهیم داشت. شب و روزهای پیش‌رو را به نظاره می‌نشینیم.